

## جبهه همبستگی ملی مجاهدین ...

از صفحه ۶

اگر چنین نیست، چرا در طرح آورده شده است؟ مسائل درونی شورا و اینکه در قبال تصمیمات جبهه چه خواهند کرد مثل هر سازمان دیگری، به خود آنها مربوط است و الزامی برای دیگران ندارد.

بر اساس بند سوم، داوطلبین شونند. تا کنون بسیاری جبهه عضویت در این جبهه باید به بند دوم التزام داشته باشند. به این ترتیب نه سازمان مجاهدین خلق و نه شورا، هیچیک نمی توانند در این جبهه عضو شوند. چرا اسبق و وزیر که به اعتبار بند اول، هم شورا و هم اعضا آن بر التزام خود به برنامه شورا، دولت موقت و این اولین بار طرحها و مصوبات و ساختار است که جبهه سیاسی شورا، تاکید کرده اند و ای با شرکت از آن جمله "استقرار جمهوری سازمان های دموکراتیک اسلامی." "بین سیاسی و یک جمهوری دموکراتیک اسلامی و پارلمان و جمهوری لائیک مبتنی بر جدایی رئیس جمهور دین از دولت، هیچ سنخیتی وجود ندارد. کسی که برای بالفعل تشکیل

**تناقضات این طرح مسائلی نیستند که سازمان مجاهدین و اعضا شورا بر آنها واقف نبوده باشند. از این رو باید گفت این طرح بیشتر یک مانور سیاسی است تا یک طرح جدی. اگر به واقع جدیتی پشت این طرح بود، این سازمان و دیگر اعضا، شورا در ابتدا می بایست تناقضات موجود را برطرف می کردند. حداقل کار این بود که پارلمان، انتخاب هیات وزرا و رئیس جمهور را ملغی می کردند.**

استقرار جمهوری دموکراتیک اسلامی مبارزه می کند، یقیناً به تلفیق دین و دولت اعتقاد دارد. پیش تکلیف نه تنها حکومت و جانشین، که دولت و رئیس سازمان مجاهدین این اصل را از اسناد مصوبه شورای ملی مقاومت برداشته اند؟ اگر آری، کی و مطابق کدام مصوبه شورا؟ واگر نه چگونه می خواهند با اعتقاد به تلفیق دین و دولت، درخواست نامه عضویت در جبهه همبستگی ملی را (که خود طرح کرده اند) پرکنند؟

۳- نیروهای تشکیل دهنده یک جبهه، اگر چه به لحاظ نیرو و وزن می توانند متفاوت باشند، ولی به لحاظ موقعیت سیاسی یکسان هستند. همه آنها از شخصیت حقوقی یکسانی برخوردارند و از موضع برابر حقوقی نیز در مبارزه برای سرنگونی حکومت دیکتاتوری و شکلگیری یک حکومت دموکراتیک وارد جبهه می

از زمان اعلام طرح تا کنون تندی چند از هواداران مجاهدین و برخی از اعضا شورا با نشر مطالب و مصاحبه ها نشان داده اند که نقاط ضعف طرح از پیش برای خود شان نیز روشن بوده است. از این رو نیز تاکید می کنند که همه چیز قابل مذاکره است و در جلسه اول جبهه تصمیم گرفته می شود، از قبیل دولت موقت، رئیس جمهور، نخست وزیر و ..

ظاهراً یا فرصت کافی برای انجام تغییرات لازم نبوده و یا با فرض اینکه طرح با استقبال روبرو نخواهد شد، مجاهدین ترجیح داده اند که فعلاً تا "سنگر" جدیدی فتح نشده "سنگر" قدیمی را دست نخورده حفظ کنند.

نحوه ارائه طرح و پیشبرد آن نیز نشان می دهد که این طرح بیش از آنکه یک طرح جدی باشد، یک مانور سیاسی و نهایتاً شکل دادن به یک شورای مقاومت ملی دیگر با عنوان جدیدی است. اگر هدف مجاهدین ساختن یک شورای "مکرر" است، راهی که پیش گرفته اند درست و یقیناً موفق خواهند شد. اما اگر در ادعای خود مبنی بر شکلگیری یک جبهه وسیع از نیروهای اپوزیسیون جدی هستند، راهی را که در پیش گرفته اند ادامه همان بیراهه تاکتونی است. سابقه بیست ساله را یک شبه و با یک اعلامیه نمی توان بدست فراموشی سپرد.

سازمان مجاهدین خلق ایران باید در عمل نشان دهد که به دمکراسی اعتقاد دارد.



تناقضات این طرح مسائلی نیستند که سازمان مجاهدین و اعضا شورا بر آنها واقف نبوده باشند. از این رو باید گفت این طرح بیشتر یک مانور سیاسی است تا یک طرح جدی. اگر به واقع جدیتی پشت این طرح بود، این سازمان و دیگر اعضا، شورا در ابتدا می بایست تناقضات موجود را برطرف می کردند. حداقل کار این بود که پارلمان، هیات وزرا و رئیس جمهور را ملغی می کردند. اعلام می کردند که نه برای استقرار یک حکومت دموکراتیک اسلامی! که برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک مبارزه خواهند کرد و قبل از همه با نقد پراتیک تاکتونی در برخورد با اپوزیسیون نشان می دادند که حداقل گام هایی را در رعایت حقوق دموکراتیک دیگران برداشته اند.